

بسمه تعالی

بررسی محوطه قلا قوره (معماری و ساختار قلعه و موقعیت ژئوپلوتیک)

میلاد آقایی^۱ - شیواپایی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد گروه باستان شناسی، دانشگاه بوعلی سینا - miladaghai1376@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد گروه باستان شناسی، دانشگاه بوعلی سینا - papishivaO@gmail.com

چکیده

قلا قوره در فاصله ۳ کیلومتری جنوب-جنوب غرب روستای چشمه سنگین و ۱۵ کیلومتری شمال شرقی شهر بیجار واقع در قسمت شمال شرقی و شرق استان کردستان در همسایگی همدان و زنجان قرار گرفته است. قلعه در کنار تراس شمالی رودخانه قزل اوزن و بر روی یک کوه طبیعی آهکی به صورت صخره منفرد ایجاد شده، اطراف آن با شیب تند به زمین های اطراف ختم می گردد. این دژ دارای عناصر و اجزای معماری مختلف با کارکردهای متفاوت است. اجزاء تشکیل دهنده دژ، آب انبارها، ارگ دژ و معماری اطراف قلعه (مسکونی و سربازخانه) بویژه در بخش های شمالی، شرقی و جنوبی، (آثار دیوارهای سنگی در سطح) و همچنین بقایای چندین برج سنگی که نشان دهنده کارکرد محل به عنوان پادگان نظامی بزرگ و شاید یک شهر کوچک است. با توجه شواهد موجود و مطالعه راه های باستانی ارتباطی جنوب به منطقه شمالی و ازدحام تمدنی محل قرار گیری این محوطه به احتمال زیاد در دوره های متداول مورد سکونت توسط اقوام مختلف قرار گرفته است. ضمن اینکه تا کنون کاوشی هدفمند در این محوطه و محوطه های اطراف انجام نگرفته، محققان این گاهنگاری این محوطه را به قرون میانه اسلامی تنفیذ کرده اند. در حالی که شباهت های بسیاری وجود دارد که نشان دهنده این است که قلا قوره از محوطه های مورد استفاده در هزاره های اول و دوم ق.م باشد. در این مقاله سعی بر آن می شود که به بررسی معماری و ساختار قلعه و محوطه مسکونی آن و همچنین با استناد به مدارک تاریخی و مطالعه های تطبیقی به گاهنگاری نسبی این محوطه پی برد.

کلید واژه ها: قلعه، قلا قوره، بیجار، معماری، ژئوپلوتیک

Investigation of the Qala Qureh Site

(Architecture and Structure of the Fortress and Its Geopolitical Position)

Milad Aghaei¹ – Shiva Papi²

1. MA Student, Department of Archaeology, Bu-Ali Sina University,

miladaghai1376@gmail.com

2. MA Student, Department of Archaeology, Bu-Ali Sina University

papishivaO@gmail.com

Abstract

Qala Qureh is located 3 km south-southwest of Cheshmeh Sangin village and 15 km northeast of Bijar city, situated in the northeastern and eastern parts of Kurdistan province, bordering Hamadan and Zanjan. The fortress is built beside the northern terrace of the Qezel Ozan River on a natural limestone mountain, appearing as an isolated rock formation. Its surroundings slope steeply into the adjacent lands. This stronghold consists of various architectural elements with different functions. The components of the fortress include water reservoirs, the citadel, and surrounding architecture (residential and barracks), particularly in the northern, eastern, and southern sections (evidenced by remnants of stone walls on the surface), as well as the remains of several stone towers, indicating its function as a large military garrison and possibly a small town.

Based on existing evidence and the study of ancient routes connecting the south to the northern region, as well as the civilizational density of the area, it is highly probable that this site was inhabited by various ethnic groups during different historical periods.

Although no targeted excavations have been conducted at this site or its surrounding areas so far, researchers have attributed its chronology to the medieval Islamic period. However, there are many similarities suggesting that Qala Qureh was among the sites used during the first and second millennia BCE. This article aims to examine the architecture and structure of the fortress and its residential area, as well as to establish a relative chronology of the site based on historical documents and comparative studies.

Keywords: Fortress, Qala Qureh, Bijar, Architecture, Geopolitics

مقدمه

قلعه های تاریخی به عنوان شاخصه های تمدنی و استراتژیک، نقش بسزایی در درک تحولات سیاسی، نظامی، و اجتماعی دورانهای گذشته ایفا می کنند (Smith, 2010: 45). محوطه قلاقوره، واقع در شمال شرقی استان کردستان، یکی از این نمونه های شاخص است که با موقعیت ژئوپولیتیک منحصر به فرد خود، در تقاطع مناطق فرهنگی کردستان، همدان، و زنجان قرار گرفته است. این قلعه نه تنها به لحاظ معماری، بلکه به عنوان یک گره ارتباطی در شبکه راه های باستانی فلات ایران، اهمیت ویژه ای دارد (Mohammadifar, 2018: 112). با وجود این، پژوهشهای نظاممند اندکی درباره این محوطه انجام شده، و بیشتر داده های موجود مبتنی بر مشاهدات سطحی یا فرضیات اولیه است (Papoli-Yazdi, 2005: 78). این مقاله با هدف پرکردن این خلأ پژوهشی، به بررسی ساختار معماری، کارکردهای نظامی-اجتماعی، و گاهنگاری نسبی قلاقوره بر اساس معماری آن می پردازد.

موقعیت جغرافیایی قلاقوره، در شمال شرقی بیجار و مجاورت رودخانه قزل اوزن، نشان دهنده انتخاب آگاهانه سازندگان آن برای تسلط بر مسیرهای تجاری و نظامی منطقه است. رودخانه قزل اوزن، که از دوران باستان به عنوان شریان حیاتی ارتباطی بین شمال غرب و مرکز ایران عمل می کرده (Kleiss, 1996: 23)، احتمالاً دلیل اصلی استقرار این دژ در این نقطه بوده است. به علاوه، قرارگیری قلعه بر فراز یک صخره آهکی با شیبهای تند، الگویی مشابه با سایر دژهای دفاعی ایران در دوره های اشکانی و ساسانی دارد (Sarfaraz, 2001: 56)، هرچند شواهدی از تأثیرات معماری اسلامی متأخر نیز در ساختار آن دیده می شود.

از نظر ساختاری، قلاقوره متشکل از سه بخش اصلی است: ارگ مرکزی، محوطه مسکونی-نظامی، و تأسیسات ذخیره آب. وجود آب انبارهای متعدد با دیوارهای سنگچین، نشانه نده توجه به نیازهای بلندمدت ساکنان در محاصره های احتمالی است (Huff, 1989: 134). این ویژگی در دژهای نظامی دوره ساسانی، مانند قلعه قمچقay و نیز مشاهده می شود (Ghirshman, 1962: 89). در بخش شرقی قلعه، بقایای دیوارهای سنگی با ارتفاعی تا ۴ متر، حاکی از سیستم دفاعی لایه لایه است که احتمالاً با برج های دیده بانی تکمیل می شده است. کشف سفال های منقوش با طرح های هندسی در سطح محوطه، مشابه یافته های محوطه های هزاره اول ق.م در غرب ایران (Young, 1965: 211)، این فرضیه را تقویت می کند که قلاقوره ممکن است پیش از دوره اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفته باشد.

از منظر ژئوپولیتیک، موقعیت قلاقوره در نزدیکی مرز سه استان کردستان، همدان، و زنجان، آن را به نقطه ای استراتژیک برای کنترل تردد بین منطقه زاگرس مرکزی و فلات مرکزی ایران تبدیل کرده است. این موقعیت، همزمان با مسیر تاریخی جاده ابریشم فرعی که از بیجار به سمت همدان امتداد می یافت، ارتباط دارد (Wilkinson, 2003: 67). چنین موقعیتی نه تنها توجیه کننده کارکرد نظامی قلعه است، بلکه نشان می دهد که این محوطه ممکن است در دوره رونق تجاری عصر

سلجوقی یا ایلخانی به عنوان پایگاهی برای تأمین امنیت کاروانها عمل کرده باشد (Morgan, 1986: 144). با این حال، نبود منابع مکتوب مستقیم درباره قلاقوره در متون تاریخی کلاسیک مانند «تاریخ بیهقی» یا «نزهةالقلوب»، ابهاماتی در تعیین هویت دقیق تاریخی آن ایجاد کرده است.

در زمینه گاهنگاری، اختلاف نظرهای قابل توجهی بین پژوهشگران وجود دارد. برخی با استناد به شیوه سنگچینی دیوارها و استفاده از ملات گچ، تاریخگذاری قلعه را به قرون میانه اسلامی (سدههای ۵ تا ۸ ه.ق) نسبت می دهند (Kiani, 1982: 98). در مقابل، گروهی دیگر با تکیه بر شباهتهای ساختاری با دژهای پیش از اسلام، مانند قلعه سامن در ملایر (Matney, 2012: 33)، پیشنهاد می کنند که هسته اولیه بنا متعلق به دوره اشکانی یا ساسانی است و در دوره اسلامی بازسازی شده است. این دوگانگی، لزوم انجام کاوشهای دقیق لایه نگاری و تحلیل مواد فرهنگی را آشکار می سازد.

هدف این مقاله، بازخوانی نقش قلاقوره در چشمانداز تاریخی-فرهنگی منطقه از طریق بررسی معماری، تحلیل تطبیقی با محوطه های همدوره، و بازنگری در گاهنگاری های پیشین است. پرسشهای اصلی عبارتند از: آیا قلاقوره در اصل یک دژ نظامی با کارکرد مرزبانی بود، یا مرکزی مسکونی-تجاری؟ و چگونه شواهد معماری و موقعیت جغرافیایی میتواند به روشن شدن گاهنگاری آن کمک کند؟ برای پاسخ به این پرسشها، از روششناسی ترکیبی بررسی میدانی، مطالعه تطبیقی سفالها، و تحلیل نقشه های توپوگرافی استفاده شده است.

پیشینه تاریخی و جغرافیایی منطقه

منطقه بیجار در شمال شرقی استان کردستان، به عنوان یکی از نقاط استراتژیک فلات ایران، در تقاطع سه استان کردستان، همدان و زنجان قرار گرفته است. این موقعیت جغرافیایی منحصربه فرد، آن را به گذرگاهی حیاتی بین مناطق غربی، مرکزی و شمال غرب ایران تبدیل کرده است (Mohammadifar, 2018: 45). وجود رودخانه قزل اوزن، که از دامنه های زاگرس مرکزی سرچشمه می گیرد و به دریای خزر می ریزد، نه تنها بهعنوان شریان حیاتی کشاورزی، بلکه به عنوان محوری برای ارتباطات تجاری و نظامی در دوران باستان عمل می کرده است (Kleiss, 1996: 30). دشتهای حاصلخیز اطراف بیجار، همراه با کوهستان های صعب العبور، شرایطی ایده آل برای استقرار جوامع انسانی و ساخت دژهای دفاعی فراهم آورده است.

از منظر تاریخی، این منطقه به دلیل قرارگیری در مسیر جاده های باستانی، از جمله شاخه های فرعی جاده ابریشم، همواره مورد توجه حکومت های مرکزی و محلی بوده است. در متون تاریخی، اشاره هایی به منطقه گروس (نام قدیم بیجار) در متون ساسانی و اسلامی وجود دارد که نشان دهنده اهمیت سیاسی-نظامی آن است (Wilkinson, 2003: 72). کشف سفالهای متعلق به هزاره اول ق.م در محوطه های اطراف قلاقوره و قمچقای، گواهی بر سکونت پیوسته در این منطقه از عصر آهن تا دوران اسلامی است (Young, 1965: 215).

دوران ساسانی و اسلامی: اوج شکوفایی

در دوره ساسانی، منطقه بیجار به دلیل نزدیکی به پایتختهای غربی ساسانیان، همچون گنزک (تخت سلیمان)، به عنوان منطقه ای مرزی با نقش دفاعی اهمیت یافت. ساخت دژهایی مانند قمچقای و قلاقوره با استفاده از مصالح بومی (سنگ آهک و ملات گچ) و الگوهای معماری ساسانی (مانند آبانبارهای بزرگ و باروهای لایه لایه)، نشان دهنده برنامه ریزی دقیق برای مقابله با تهدیدات خارجی است (Huff, 2011: 70). پس از فروپاشی ساسانیان، این دژها در سده های میانی اسلامی (۵-۹ ه.ق) بازسازی و تقویت شدند. به ویژه در دوره سلجوقی و ایلخانی، قلعه های منطقه به پایگاه هایی برای فرقه های مذهبی-نظامی مانند اسماعیلیان تبدیل شدند (Morgan, 1986: 150). شباهت های معماری قمچقای و قلاقوره با قلعه های اسماعیلی در قهستان (مانند قلعه خراوان) و اصفهان (شاه دژ)، گواهی بر این تحولات است (فرجامی، ۱۳۹۹: ۴۶۵).

ژئوپلیتیک و نقش دفاعی

موقعیت طبیعی قلعه ها بر فراز صخره های آهکی با پرتگاه های عمیق، نه تنها دسترسی دشمنان را محدود می کرد، بلکه امکان نظارت بر مسیرهای تجاری دشت بیجار و رودخانه قزل اوزن را فراهم می ساخت (Sarfaraz, 2001: 60). به عنوان مثال، قلاقوره با تسلط بر تراس شمالی قزل اوزن، کنترل تردد کاروانها بین ایالات شمال غربی را در اختیار داشت. این ویژگی ها، همراه با سیستم آب انبارهای پیچیده (مانند ۱۰ آبانبار در قمچقای)، امکان مقاومت در محاصره های طولانی مدت را می داد.

اهداف پژوهش و اهمیت آن

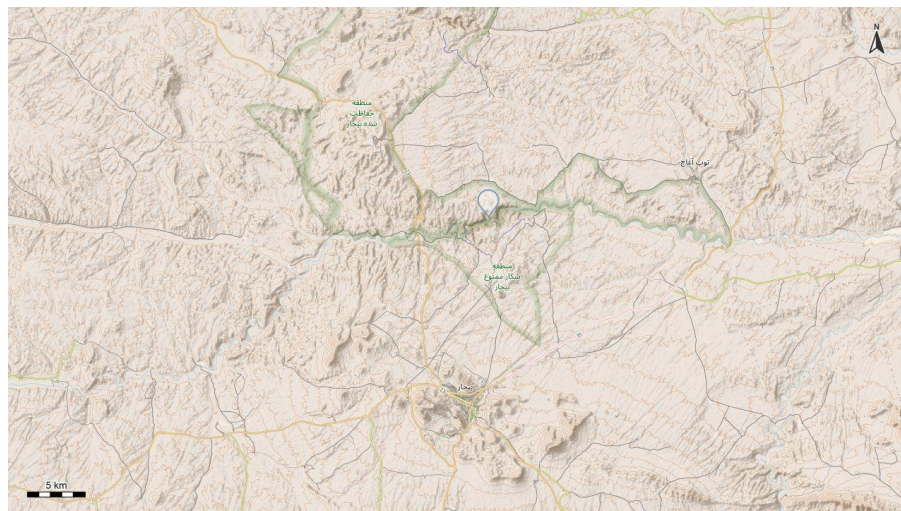
این پژوهش دو هدف اصلی را دنبال می کند:

۱. مستندسازی طرح معماری قلعه قوره

۲. تحلیل جایگاه استراتژیک این دژ در شبکه گسترده تر استحکامات اشکانی-ساسانی و میانه اسلامی.

موقعیت جغرافیایی قلعه مربع قلاتوره

قلعه قلاتوره در شمال شرقی شهرستان بیجار در ۱۸ کیلومتری شهر بیجار در میانه گسل طبیعی صلوات آباد در امتداد دره ای که توسط رودخانه ی قزل اوزون در طول زمان ساخته شده، در مسیر ارتباطی بیجار- تکاب ، واقع شده است. دو گذرگاه استراتژیک که در دوران باستان مسیر ارتباطی بین دینور (کرمانشاه امروزی) و تخت سلیمان را تشکیل می دادند- نقش کلیدی این قلعه در کنترل ترافیک نظامی و تجاری را آشکار می کند.



تصویر ۱- موقعیت جغرافیایی قرار گیری قلعه در نقشه شمال غرب ایران

از نظر توپوگرافی، این قلعه بر درو یک دره U شکل که در میانه آن یک صخره منفرد که دور تا دور آن شیب تندی به سمت دره وجود دارد قرار گرفته است . هرچند نظر نگارنده بر این است که کل این محوطه خود یک استحکامات نفوذ ناپذیر و غیر قابل شناسایی توسط دشمن می باشد . چنین موقعیتی امکان پنهان نمودن ادوات و نیرو ها و یا حتی موارد با ارزش تر را فراهم می کند تا حدی که این نظریه که این محوطه در اصل یک محوطه آیینی می باشد و کارکرد آن به مرور زمان تغییر یافته است .



تصویر ۲ - موقعیت قرار گیری قلاتوره در دره سیاه

شاخصه های محوطه قلاقوره

معماری و کارکرد قلعه قلاقوره

قلعه در کنار تراس شمالی رودخانه قزل اوزن و بر روی یک کوه طبیعی آهکی به صورت صخره منفرد ایجاد شده، اطراف آن با شیب تند به زمین های اطراف ختم می گردد. این دژ دارای عناصر و اجزای معماری مختلف با کارکردهای متفاوت است. اجزاء تشکیل دهنده دژ، آب انبارها، ارگ دژ و معماری اطراف قلعه (مسکونی و سربازخانه و عبادتگاه) بویژه در بخش های شمالی، شرقی و جنوبی، (آثار دیوارهای سنگی در سطح) و همچنین بقایای چندین برج سنگی که نشان دهنده کارکرد محل به عنوان پادگان نظامی بزرگ است. قلعه صرفاً دفاعی نبوده که فقط در زمان حمله مهاجمان و در مواقع نیاز در آن پناه گرفته شود بلکه به صورت مداوم در آن زندگی جریان داشته است.

دلیل این مسئله علاوه بر داده های باستان شناختی گردآوری شده سطح محوطه، وجود معماری های جانبی در اطراف ارگ دژ که مساحت زیادی را در بر گرفته است. تنها راه ورود به ارگ، از دیواره عمودی شمالی قلاقوره در جهت شمالی-شمال غربی امکان پذیر است که با گذر از این مسیر می توان به اطراف قلعه و سپس به ارگ رسید. شرایط استراتژیک محل باعث ساخت دژ بر روی کوه قلاقوره شده البته شرایط محیطی نیز در این زمینه بسیار تاثیر گذار بوده از جمله لایه صخره ایی کارستی در قسمت فوقانی قلعه که دیواره عمودی صعب العبوری را ایجاد نموده و باعث عدم نفوذپذیری به قسمت ارگ دژ گردیده است.

قاعده صخره قلاقوره به طول و عرض ۵۳۰ در ۳۱۲ متر به صورت بیضوی با جهت شمال غربی به جنوب شرقی است. پلان دژ به صورت نامنظم و از الگوی خاصی پیروی نمی نماید. قسمت ارگ قلعه به صورت میانگین ۱۶۱ در ۲۷ متر طول و عرض و از سطح زمینهای اطراف ۹۰ متر ارتفاع دارد. این قلعه از قسمت های مختلفی تشکیل شده که در مجموع مساحتی بیش از ۱۰ هکتار را در بر می گیرد.



تصویر ۳ - موقعیت سازه های قلاقوره

در قسمت ارگ با بقایای معماری بصورت یک پایه که به احتمال زیاد باقیمانده یک چهار طاقی ساسانی بوده که اصلی ترین بخش آن در قسمت شمالی قرار گرفته و شامل یک باروی ضخیم است. امروزه از بارو فقط بخشی باقیمانده و سایر قسمت های جانبی آن تخریب شده است. با عبور به سمت مرکز ارگ مقدار ۵ متر به ارتفاع دیوار افزوده می گردد. تنها ورودی این بخش به صورت دو دیواره ضخیم دربخش شرقی ارگ مشاهده می گردد. در قسمت شمالی ارگ دژ که نسبت به بخش های دیگر مرتفعتر نیز هست، بقایای دیوارهای مشابه دیوار جنوبی باقیمانده است.

اما در قسمت پائین کوه قلاقوره در جانب شمال، جنوب و شرق ارگ فضاهای معماری وجود دارد که مورد استفاده ساکنین قلعه بوده است. فضاهای معماری که در پائین ارگ شکل گرفته (بخش جنوبی) و در حاشیه رود قزل اوزن واقع گردیده بیشتر شامل ساختمانهای پیوسته کوچک به شکل مربع و مستطیل که در طول رودخانه امتداد یافته است. در کنار این بخش فضاهای معماری دیگر در شمال و شرقی ارگ دیده می شود، این سازه ها دارای مساحت بیشتری نسبت به بخش جنوبی هستند.

مهمترین عنصر معماری قلعه در نگاه اول، برج های متعدد با کارکرد دفاعی هستند که دور تا دور بخش مسکونی (قسمت پایین دژ) و اطراف مجموعه را در بر گرفته اند. اما نکته ای که وجود دارد عدم ردی از بارو دربخش پایین ارگ است. اجزاء تشکیل دهنده این دژ گوناگون است و دارای کارکردهای نظیردفاعی، مسکونی و حکومتی است.



دو نوع معماری در دژ بکار رفته، نوع تخت که با سنگ و ملات گچ و ساروج ساخته شده و از ارتفاع و استحکام زیادی برخوردار است و اصطلاحاً به آنها شاه نشین قلعه از آن یاد می شود و نوع دوم که به صورت خشکه چین (بدون ملات) هستند و از ارتفاع کمی برخوردار است و احتمالاً محلی برای اسکان محافظان و مدافعان قلعه مورد استفاده بوده است. قسمت عمده معماری قلعه از روش دوم ساخته شده است. که به صورت بخشهای (محلات) متعدد و متراکم در دو جبهه دژ ساخته شده است. روی بخش فوقانی قلاقوره و دربخش مرکزی آن دو آب انبار سنگی دیده می شود که یکی در دامنه شرقی و دیگری در دامنه غربی آن است. همچنین در قسمت بالای دژ هاو نه های صخره ایی نیز کنده شده که برای خردکردن غلات بوده است.

تصویر ۴ - نمایی از دژ قلاقوره (مهرزاد ملک محمدی ۲۰۲۵)

در قسمت جنوبی قلعه یک چاه مستطیل شکل حفر شده و در عمق حدود 10 متری، محدوده دهانه کاهش می‌یابد و زوایای مستطیل-مربع پایینی نسبت به دهانه اولیه زاویه پیدا می‌کند. براساس قانون بازتاب صوت، برآورد اولیه از عمق این چاه براساس فرمول می‌تواند تا حدود 100 متر را برآورد نمود. به نظر می‌آید این قسمت محلی برای گریز از دست دشمنان در هنگام ورود به ارگ بوده است. (بهنیا، ۱۴۰۲)



تصویر ۵ - نمای محوطه قلاقوره (امیر حبیبی ۲۰۲۵)

روش‌های دفاعی که در این دژ استفاده شده دارای نکات جلب توجهی است. مکان یابی و انتخاب محل مناسب برای مخفی ماندن از دید دشمن یکی از این مکانیزم‌ها است، دژ از سه طرف به پرتگاه و مسیر صعب العبور منتهی می‌گردد. قلعه از لحاظ طبیعی نیز دارای اهمیت بوده بنحوی که محل انتخاب شده نسبت به اطراف خویش در موقعیت استراتژیک قرار گرفته که آسیب‌های احتمالی در برابر دشمنان را کاهش می‌دهد و یا اینکه بکلی متوقف می‌کند. نزدیکی به رودخانه یکی از ویژگی‌های مهم از لحاظ طبیعی این مکان است. از مهمترین مؤلفه‌های دفاعی محل، استتار و اختفا در قلاقوره و موقعیت ژئوپلیتیک این دژ است که با مکان یابی مناسب، تأثیر زیادی در ایجاد مؤلفه‌های استتار و اختفا گذاشته، البته استفاده از مصالح بوم آورد در اختفاء محل بسیار موثر بوده است.

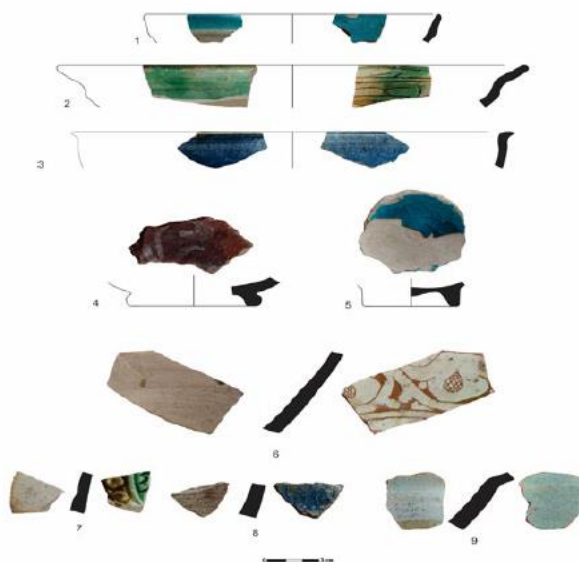
این دژ شباهت زیادی به قلعه‌های اسماعیلیان در قهستان (خراسان جنوبی) و اصفهان مانند بشرویه، قلعه گرسک، قلعه خراوان و شاهدژ دارد (ویلی، 1386: 283)؛ (فرجامی، 1399: 463).

یافته های آثار باستان شناختی

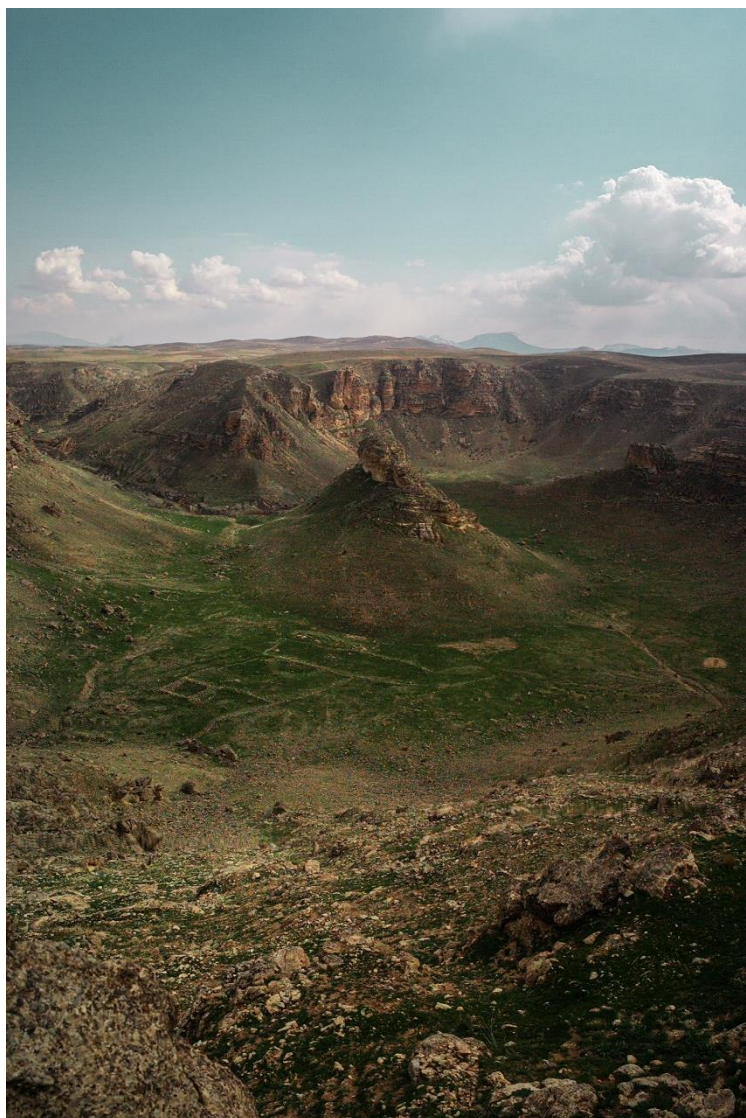
در بررسی این قلعه علاوه بر سفال، سرباره کوره، چند قطعه باقی مانده از ملات گچ مربوط به دیوارهای ارگ نیز شناسایی شد که نشان دهنده ذوب فلز آهن و معماری ارزشمند در این قلعه است. (بهنیا، ۱۴۰۲)

۱. سفالهای لعابدار از نوع اسگرافیاتو سبک گروس (Garrus/Gerrus ware) خمیره بکار رفته در این ظروف قرمز رنگ و تا حدی مایل به صورتی هستند و تماماً چرخساز، رنگ لعاب سربی بکار رفته در قسمت داخلی ظروف سبز و سفید و بعضاً دارای لکه سبز است. بیشتر نقش‌های موجود بروی این ظروف را نقش‌های گیاهی و هندسی تشکیل می‌دهد این نوع تکنیک مربوط به قرن 4-7 هـ ق است. از محوطه‌های غرب ایران که این سفال از آنها بدست آمده می‌توان به تخت سلیمان (Naumann, 1976: 90-95) اشاره نمود

۲. سفالهای لعابدار دارای بافتی ظریف، پخت مناسب و به رنگهای فیروزه‌ای و آبی است. در برخی موارد دارای لعاب کنده است. در این موارد با لعاب تیره‌تر تزئین شده است. بشقابها و کاسه‌های کوچک از فرمهای شناسایی شده این گروه است. در بشقابهایی که داخل آنها تزئین کنده اجرا شده، از تزئینات ساده و گیاهی برای تزئین استفاده گردیده است. از نمونه‌های قابل مقایسه با این گونه سفالی از لحاظ ویژگی می‌توان به محوطه تهیق خمین (شراهی و صدیقیان، 1398: 149)، ارزنفود (زارعی و همکاران، 1393: 84)، سامن (همتی ازندریانی، 1396: 196)، زینوآباد (محمدی و شعبانی، 1395: 144) و مسجد جامع بروجرد (گودرزی، 1395: 98) اشاره نمود.



تصویر ۶ - سفال و سرباره آهن بدست آمده از محوطه قلاقوره (بهنیا، ۱۴۰۲ . ۱۰)



تصویر ۷ - دو نما از محوطه قلا قوره (امیر حبیبی، ۲۰۲۵)

منابع

۱. احمدی نوحانی، سیروس، و آرزو النجری چاودرچی. ۱۳۹۶. تأثیر شکل هندسی مرز بر امنیت مرزهای غربی ایران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی ۳۲ (۴): ۲۲۲-۲۴۰.
۲. الیاسوند، محمدابراهیم. ۱۳۸۵. بررسی باستان شناسی شهرستان بیجار (دهستان های طغامین و سیلنان). آرشو میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
۳. الیاسوند، محمدابراهیم. ۱۳۸۵. بررسی باستان شناسی شهرستان بیجار (دهستان های سیا همصور و خورخوره). آرشو میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
۴. الیاسوند، محمدابراهیم. ۱۳۸۷. بررسی باستان شناسی شهرستان بیجار (دهستان های کرانی و گرگین). آرشو میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
۵. باب کرد، جواد. ۱۳۴۸. دژ قمچی خای. باستان شناسی و هنر ایران، ش. ۳: ۶۴-۷۱.
۶. بهنیا، علی. محمد ابراهیم زارعی. ۱۴۰۳. عوامل اثرگذار بر معماری، شکل گیری و توزیع فضایی قلعه های سد ههای میانی دوران اسلامی بیجار گروس. دو فصلنامه معماری ایرانی ۱۴۰۳: ۲۵.
۷. پوپ، آرتورایهام، و فیلیپس اکرم. ۱۳۸۷. سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز). ترجمه نجف دریابندی. تهران: علمی و فرهنگی.
۸. ثبوتی، هوشنگ. ۱۳۷۱. گزارش فصل اول بررسی شهرستان بیجار. آرشو میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
۹. خطیب شهیدی، حمید. ۱۳۸۹. کاوش نجات بخشی تپه حاج نبی-چهل امیران شهرستان بیجار. آرشو میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
۱۰. رحمانی، اسماعیل. ۱۳۹۲. کاوش و پیگردی قلعه باستانی باشقورتاران کبودرآهنگ همدان. آرشو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
۱۱. رضایی، محمد، عباس ایرانشاهی، و حسین تبریزی. ۱۳۸۳. دژهای باستانی در منطقه کومش. مجله اثر، ش. ۳۶: ۱۱۲-۱۳۶.
۱۲. رهبر، مهدی. ۱۳۹۰. گزارش مقدماتی دومین فصل گمان هزنی در نهاوند به منظور شناسایی معبد لائودیس. آرشو اداره کل میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
۱۳. زارعی، محمدابراهیم، علی خاکسار، عباس مترجم، فرهاد امینی، و اعظم دینی. ۱۳۹۲. بررسی و مطالعه سفال های دوره ایلخانی بدست آمده از کاوش های باستان شناسی ارزانفود. مطالعات باستان شناسی ۶ (۲): ۷۳-۹۳.
۱۴. زارعی، محمدابراهیم. ۱۳۹۹. بررسی و تحلیل حیات تاریخی شهر درگزین در دوران اسلامی (براساس مستندات تاریخی و کاوش های باستان شناسی). پژوهش های باستان شناسی ایران ۲ (۱۰): ۱۸۰-۲۱۲.
۱۵. زرقانی، سید هادی. ۱۳۸۶. عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر نقش و کارکرد مرزها با تأکید بر مرزهای ایران. فصلنامه ژئوپلیتیک ۳ (۲): ۴۸-۳۵.
۱۶. ساعد موچشی، امیر. ۱۳۹۰. گزارش لایه نگاری تپه کلنان بیجار. آرشو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
۱۷. سپیدنامه، حسن، احمد صالحی کاخکی، هاشم حسینی، و احمد رایگانی. ۱۴۰۱. قلعه های اسماعیلیان در کوره ارجان: پژوهش باستان شناختی. مجله تاریخ و تمدن اسلامی ۱۸ (۳۹): ۴۷-۷۷.
۱۸. شریفی، مهناز. ۱۳۹۶. گزارش گمان هزنی تپه پیر تاج (بیجار). آرشو پژوهشکده باستان شناسی (منتشر نشده).
۱۹. شریفی، فرشته، و محمدابراهیم زارعی. ۱۴۰۰. بررسی و مطالعه سفالهای دوران اسلامی دشت قروه استان کردستان. فصلنامه علمی مطالعات باستان شناسی پارسه ۱۵ (۵): ۱۸۹-۲۱۰.
۲۰. شیپمان، کلاوس. ۱۳۸۴. مبانی تاریخ ساسانیان. ترجمه کیکاووس جهاندار. تهران: فرزاد روز.
۲۱. عزیزی، اقبال. ۱۳۸۱. بررسی باستان شناسی شهرستان بیجار کردستان (مرکزی و چنگ الماس). آرشو میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
۲۲. فرجامی، محمد. ۱۳۹۹. دژهای اسماعیلی در خراسان جنوبی. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

۲۳. محمدی فر، یعقوب. ۱۳۸۹. کاوش نجات باستان شناسی تپه روبه روی آسیاب رضا (حوضه آبرگیر سد تلوار). آرشیو میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کردستان (منتشر نشده).

۲۴. محمودی نسب، علی اصغر، رضا مهرآفرین، و محمد فرجامی. ۱۳۹۸. تأثیر محیط جغرافیایی و فرهنگ بر شکل گیری قلاع اسماعیلی، مطالعه موردی: قلعه کوه زردان شهرستان زیرکوه. فصلنامه علمی مطالعات باستان شناسی پارسه ۳ (۷): ۹۴-۷۴.

25. Harithy, Howayda Nawwaf. 2002. The Culture of Design and Production in Abbasid Samarra. Al Proceedings of DETC, ASME Design Engineering Technical, Conferences and Computer and Information in Engineering Conference, Montreal Canada 1-5.
26. Danti, M. D. 2004. The Ilkhanid heartland: Hasanlu Tepe (Iran) Period I. Hasanlu excavation Report II. Iniversity Museum Monograph 120, Philadelphia: University of Pennsylvania Museum.
27. Haddon, R. A. W. 2011. Fourteenth century fine glazed wares produced in the Iranian world, and comparisons with contemporary ones from the Golden Horde and Mamlūk Syria/Egypt. Ph. D. Thesis. SOAS, University of London.
28. Herzfeld, Ernst. 1923. Der Wandschmuck Bauten von Samarra und seine Ornamentik, Verlag Dietrich Reimer Ernstvohsen, Berlin.
29. Guilbert, H. 1984. Les niveaux islamiques du secteur Apadana-Ville Royale. D. A. F. I. 14 Imprime En France. Imprimeur n432.
30. roger, J. 1995. Nishapur: Glass of the Early Islamic Period. New York: The Metropolitan Museum of Art.
31. Saed Mucheshi. A. Elyasvand. M. Fizi. S. Esnaashari. A. Behnia. A. (2022), Qaleh Qamchoqi: An Archaeological Investigation Into A Defensive Castie In The Province Of Kurdistan, Iran, Iranica Antiqua (LVII): 113-145.
32. Schnyder, R. 1974. Medieval Incised and Carved Wares from North West Iran. In: The Art of Iran and Anatolia from the 11th to 13th Century. William Watson, ed. London: 85-95.
33. Watson, O. 2004. Ceramics from Islamic Lands. London: Thames.
34. Wilkinson, Charles K. 1973, Nishapur: Pottery of the Early Islamic Period. New York: The Metropolitan Museum of Art.